

Expediency Council, the top body in charge of settling legislative disputes, has asked the government to provide it with documents to clarify ambiguities concerning requirements mandated by the Financial Action Task Force, the global anti-money laundering watchdog.

مجمع تشخیص مصلحت نظام ارگان عالی رتبه مسئول حل و فصل اختلافات قانونی از دولت خواسته است که مدارکی را در اختیار این نهاد بگذارد تا در مورد ابهامات مربوط به الزاماتی که توسط گروه ویژه اقدام مالی، نهاد نظارت جهانی مبارزه با پولشویی، تعیین شده است، شفاف سازی نماید.

Mohsen Rezaei, the council's secretary, made the statement during a press conference on Wednesday.

محسن رضایی، دبیر این مجمع، روز چهارشنبه طی یک کنفرانس مطبوعاتی این اظهارات را بیان کرد.

Describing the remaining FATF bills as "tools of diplomacy", Rezaei said the government has no guarantee that even if the bills are approved, the watchdog will remove Iran from its blacklist, YJC reported.

طبق گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، رضایی ضمن توصیف لوایح باقیمانده FATF به عنوان ابزار دیپلماسی، بیان کرد که دولت هیچ ضمانتی نمیکند که حتی اگر این لوایح تصویب شود، ناظران ایران را از لیست سیاه خود خارج کنند.

The fact of the matter is that if the country loses these two "diplomacy tools, is there any guarantee that FATF will accept Iran as a member?" he said

او خاطر نشان کرد موضوع مهم آن است که اگر ایران این دو ابزار سیاسی را از دست دهد، چه تضمینی وجود دارد که به عنوان عضوی از FATF پذیرفته شود؟

According to the official, save for two clauses, Iran has complied with all recommendations required by FATF

طبق گفته این مقام مسئول ایران بر تمام توصیه های FATF به جز دو بند پایبند بوده است.

In February 2020, the global anti-money laundering watchdog lifted the suspension of counter-measures on Iran and called on its members and all jurisdictions to apply effective counter-measures against the country

در فوریه سال ۲۰۲۰، سازمان جهانی مبارزه با پولشویی، تعلیق اقدامات مقابله ای علیه ایران را لغو کرد و از اعضا و تمامی نهاد های قانونی دنیا درخواست کرد که اقدامات مقابله ای موثری علیه این کشور اعمال نمایند.

One sticking point with regard to the approval of FATF bills by EC is that the task force stipulated that it would decide on "next steps" even after Iran ratifies the remaining bills

نکته مهم در مورد تصویب لوایح FATF توسط اتحادیه اروپا این است که این گروه ویژه شرط کرد که پس از تصویب لوایح باقی مانده توسط ایران، گام های بعدی را تعیین میکند.

Rezaei insisted that the phrase "next steps" must be clarified to the EC members

رضایی خواستار این شد که اصطلاح "گام های بعدی" باید برای اعضای اتحادیه اروپا روشن شود.

By next steps, he was referring to excerpts of FATF's statements issued in the February 2020 plenary meeting by saying, "If Iran

ratifies the Palermo and Terrorist Financing Conventions, in line with FATF standards, FATF will decide on next steps, including ".whether to suspend countermeasures

وی در گام های بعدی درحالی که به بخش هایی از بیانیه های FATF که در نشست عمومی فوریه سال 2020 منتشر شده بودند اشاره میکرد، گفت " در صورت تصویب کنوانسیون های تامین مالی پالرمو و تروریست مطابق با استانداردهای FATF توسط ایران، FATF گام های بعدی را از جمله این که آیا اقدامات مقابله ای را به تعویق درآورد یا نه، تعیین میکند.

The EC spokesman said government officials have made contradictory statements

سخنگوی اتحادیه اروپا بیان کرد که مقامات دولتی اظهارات ضد و نقیضی ارائه داده اند.

They are supposed to sign and submit all the needed documents“ and written responses to EC members' questions. Then we can put the bills to a vote," he added

وی افزود "آنها باید کلیه اسناد و مدارک و پاسخهای کتبی مورد نیاز به سوالات اعضای اتحادیه اروپا را امضا و ارائه کنند. سپس می توانیم این لوایح را به رای بگذاریم.

Rezaei said the EC is awaiting documents from the government and will give the final vote to remaining FATF bills by April 20

رضایی گفت که اتحادیه اروپا منتظر اسناد دولت است و رای نهایی به لوایح باقی مانده FATF را تا 20 آوریل می دهد.

FATF has asked Iran to pass four bills as part of the “Action Plan” to get out of its blacklist

اف ای تی اف از ایران خواسته است که چهار لایحه را به عنوان بخشی از برنامه اقدام

تصویب کند تا از لیست سیاه آن خارج شود.

President Hassan Rouhani's administration has enacted amendments to the counter-terrorist financing and anti-money laundering rules. But the government has failed to get approval from the main legislative body for the two remaining bills, namely Palermo (convention against transnational organized crime) and terrorist financing conventions (CFT), despite the fact that the key bills were passed both by the government and parliament.

دولت رئیس جمهور حسن روحانی اصلاحاتی را در مورد قوانین مبارزه با تأمین مالی تروریسم و مبارزه با پولشویی تصویب کرده است.

اما با وجود تصویب این لایحه های مهم توسط دولت و مجلس، این دولت نتوانسته است موافقت نهاد اصلی قانونگذاری را برای دو لایحه باقی مانده یعنی پالرمو (کنوانسیون مقابله با جرائم سازمان یافته فراملی) و کنوانسیون های تأمین مالی تروریسم (CFT) بگیرد.

The two remaining bills were not approved by the Guardians Council, a watchdog that ensures laws are in line with Iran's Constitution and Islamic law - and were sent to EC for a final decision. EC is a constitutional arbiter between the Majlis and the Guardians Council.

این دو لایحه باقیمانده توسط شورای نگهبان (یک نهاد ناظر که تضمین می کند قوانین با قانون اساسی ایران و قوانین اسلامی مطابقت دارند) تأیید نشده اند، و برای تصمیم گیری نهایی به اتحادیه اروپا ارسال شده اند. اتحادیه اروپا یک میانجی قانونی بین مجلس و شورای نگهبان است.

Gov't Striving to Approve Bills

The bills were left in limbo for more than a year before the Leader of Islamic Revolution Ayatollah Seyyed Ali Khamenei last December approved a government request to extend the deadline for discussions on the two remaining bills

تلاش دولت برای تصویب کردن لایحه ها

پیش از آنکه رهبر انقلاب اسلامی آیت الله سید علی خامنه ای در دسامبر گذشته درخواست دولت برای تمدید مهلت مذاکرات درباره دو لایحه باقی مانده را تصویب کند، این لوایح بیش از یک سال در بلاتکلیفی مانده بود.

Despite snags, the government has strived to push the bills through the powerful council. It is now optimistic that the US economic sanctions will end with a change in the White House, as the new US President Joe Biden has pledged to return to the historic Iran nuclear deal abandoned by the previous US administration in May 2018

علی رغم گرفتاری ها، دولت تلاش کرده است تا لایحه ها را از طریق شورای قدرتمند پیش ببرد. اکنون دولت خوشبین است که تحریم های اقتصادی ایالات متحده با تغییر در کاخ سفید پایان می یابد، زیرا جو بایدن، رئیس جمهور جدید ایالات متحده متعهد شده است که به توافق هسته ای تاریخی ایران که دولت قبلی آمریکا در ماه مه 2018 از آن خارج شده بود، بازگردد.

Senior government officials have often argued that efforts to ease sanctions would be futile unless tough financial barriers imposed as a result of an FATF blacklist are removed

مقامات ارشد دولت غالباً اظهار داشتند که تلاش برای کاهش تحریم ها بی نتیجه خواهد بود مگر اینکه موانع مالی دشواری که در نتیجه لیست سیاه FATF تحمیل شده اند، برداشته شوند.

Speaking on the weekly Cabinet meeting on Wednesday, Rouhani once again asked EC members to vote in favor of FATF's remaining bills

روحانی روز چهارشنبه در جلسه هفتگی هیئت دولت، بار دیگر از اعضای اتحادیه اروپا خواست تا به لوایح باقی مانده FATF رأی موافق دهند.

Recalling the financial consequences of inclusion in FATF's blacklist for the country, Rouhani asked EC to "display its power in easing the people's financial distress

روحانی با یادآوری پیامدهای مالی قرار گرفتن در لیست سیاه FATF برای این کشور، از اتحادیه اروپا خواست که توانمندی خود را در کاهش مشکلات مالی مردم نشان دهد.

The proponents of compliance with FATF standards argue that non-compliance with FATF norms has further undermined Iran's access to international banking and financial services

هواداران انطباق با استانداردهای FATF معتقدند که عدم پیروی از ضوابط FATF دسترسی ایران به بانکداری بین المللی و خدمات مالی را بیش از پیش تضعیف کرده است.

Third, liberal democracy is grounded in the anti-utopian premise that the tendency to abuse power is fairly evenly distributed among human beings

سوم، لیبرال دموکراسی براساس این پیش فرض ضد آرمان شهری که تمایل به سو استفاده از قدرت تقریبا به طور مساوی بین انسان ها وجود دارد، بنا شده است.

This does not negate the belief in fundamental rights that all persons share or obviate the need for decent character in citizens and office holders

این امر باور به حقوق اساسی که همه افراد از آن برخوردار هستند را نفی نکرده و همچنین از نیاز به داشتن شخصیتی شایسته برای شهروندان و مدیران جلوگیری نمیکند.

From the perspective of liberal democracy, each is equally free. Each is a mix of wants and needs, appetites and longings, fears and hopes that frequently distort judgment and defeat reason. And each is capable of acquiring at least a basic mixture of the virtues of freedom

از دیدگاه لیبرال دموکراسی همه به یک اندازه آزاد هستند. هرکس مجموعه ای از خواسته ها و نیازها، امیال و هوس ها، ترس ها و امیدهایی است که اغلب قضاوت را تحریف و منطق را مغلوب میکند. هر انسانی میتواند از ترکیب مزیت های اساسی آزادی بهره مند شود.

Because of its understanding of the multiple dimensions of human nature, liberal democracy attaches great importance to the design of political institutions

لیبرال دموکراسی به دلیل درک بیشترش از ماهیت انسانی، اهمیت زیادی برای نهادهای سیاسی قائل است.

The aim is to secure freedom from the passions and prejudices of the people as well as those of their elected representatives.

Good institutional design does this by playing the passions and prejudices off against one another while providing incentives for the exercise of reason, deliberation, and judgment

هدف حفظ آزادی از گزند احساسات و تعصبات مردم و همچنین نمایندگان منتخب آنها میباشد. برنامه ریزی سازمانی درست در حالی که برای به کار گیری عقل، غور و تفکر و قضاات، انگیزه فراهم میکند، این هدف را با ایجاد احساسات و تعصبات در برابر یکدیگر محقق میکند.

Why are these basic notions about Marxism and liberal
?democracy so poorly understood today

چرا امروزه از این تصورات اساسی درباره مارکسیسم و لیبرال دموکراسی به طور بدی برداشت می شود؟

In the Road to Serfdom, Hayek suggests that a crucial step in the institutionalization of the central planning essential to socialism is a concerted attack on liberty of thought and discussion

هایک در کتاب راه بردگی، بیان می کند که گام اساسی در نهادینه سازی این برنامه ریزی مهم که برای سوسیالیسم ضروری می باشد، حمله هماهنگ به آزادی اندیشه و بیان است.

To consolidate support for the one true state-approved economic plan, it is necessary to ensure that a uniform view prevails among the citizenry: "The most effective way of making everybody serve the single system of ends toward which the social plan is directed is to make everybody believe in those ends

برای تحکیم حمایت از یک برنامه اقتصادی مناسب مصوب دولت ، لازم است اطمینان حاصل شود که یک دیدگاه یکسان در بین شهروندان حاکم است: موثرترین روش برای به

خدمت واداشتن هر کس در این نظام واحد متشکل از اهداف که این برنامه اجتماعی به سمت آن هدایت می شود ، این است که همه به این اهداف باور داشته باشند.

This requires, among other things, that universities — eventually the entire educational system — abandon the traditional goal of liberal education, which is to transmit knowledge, cultivate independent thinking, and encourage the disinterested pursuit of truth.

این امر ، درمیان موارد دیگر ، مستلزم آن است که دانشگاه ها - و در نهایت کل سیستم آموزشی - هدف مرسوم آموزش لیبرال را که انتقال دانش ، پرورش تفکر مستقل و تشویق به جست و جوی بدون تفاوت نسبت به حقیقت است ، کنار بگذارند.

Instead, institutions of higher education must be conscripted into the cause. That involves the transformation of colleges and universities into giant propaganda machines for the inculcation and reaffirmation of the officially approved views.

در مقابل ، نهادهای آموزش عالی باید در راستای این هدف به خدمت دولت گرفته شوند. که این امر شامل تبدیل کالج ها و دانشگاه ها به سازمان های تبلیغاتی خیلی بزرگ به منظور القا و تأیید مجدد دیدگاه های رسماً تأیید شده دولت است.

The condition of higher education in America suggests that that transformation is well underway. It is increasingly rare for colleges and universities to teach students the principles of individual liberty, limited government, and free markets along with the major criticisms of them, thereby both imparting knowledge to students and fostering their ability to think for themselves.

شرایط تحصیلات عالیه در آمریکا نشان می دهد که این تحول به خوبی در دست انجام است. به ندرت اتفاق می افتد که کالج ها و دانشگاه ها اصول آزادی فردی ، دولت مشروطه و بازارهای آزاد را به همراه انتقادات عمده ای که به آنها می شود ، به دانشجویان بیاموزند ، در نتیجه هم دانش به دانش آموزان منتقل می شود و هم توانایی آنها در فکرکردن تقویت می شود.

Instead, our institutions of higher education often nurture a haughty and ill-informed enthusiasm for socialism and an ignorant .disdain for political and economic freedom

در عوض، موسسات آموزش عالی ما اغلب علاقه شدید متکبرانه و ناآگاهانه ای را نسبت به سوسیالیسم، و بیزاری جاهلانه ای را نسبت به آزادی سیاسی و اقتصادی پرورش می دهند.

In doing so, higher education today builds on dogmas increasingly inculcated at earlier stages. Take, for example, California, which is the most-populous state in America and, if it were a sovereign .nation, would boast the fifth-largest economy in the world

بدین ترتیب، آموزش عالی، امروزه مبتنی بر عقایدی است که در مراحل اولیه به طور فزاینده ای در ذهن (دانش جویان) نهادینه می شوند. به عنوان مثال، کالیفرنیا را ببینید، که پرجمعیت ترین ایالت آمریکاست و اگر یک کشور مستقل بود، پنجمین اقتصاد بزرگ جهان را در اختیار داشت.

Earlier this year, the state's Department of Education released a draft "Ethnic Studies Model Curriculum" prepared by teachers, scholars, and administrators. Suffused with social science jargon and dedicated to a highly partisan social-justice agenda, the

model curriculum names capitalism as a “form of power and oppression” and associates it with such sins as “patriarchy,” “racism,” and “ableism

در اوایل سال جاری، وزارت آموزش و پرورش این ایالت پیش نویس "نمونه برنامه آموزشی مطالعات قومی" را منتشر کرد که توسط معلمان، دانشمندان و مدیران تهیه شده بود. این پیش نویس پر از زبان تخصصی علوم اجتماعی بود و به دستورالعملی به شدت تعصب آمیز از عدالت اجتماعی اختصاص یافته بود، این برنامه آموزشی نمونه، از نظام سرمایه داری به عنوان "شکلی از قدرت و ستم گری" نام می برد و آن را با اشتباهاتی مانند "مردسالاری"، "نژادپرستی" و "تبعیض علیه افراد ناتوان" مرتبط می داند.

The fashionable terminology builds on longstanding charges against the free-market system: Capitalism rewards greed and selfishness, divides people into oppressed and oppressor classes, fosters atomized individuals, erodes community, and produces massive and obscene forms of inequality. Apparently, California’s experts did not see the point of including in the curriculum the other side of the argument

این اصطلاحات متداول بر پایه اتهامات دیرین علیه سیستم بازار آزاد ساخته شده اند، این اتهامات شامل این موارد هستند: نظام سرمایه داری طمع و خودخواهی را تشویق می کند، مردم را به طبقات ستم دیده و ستمگر تقسیم می کند، افراد منزوی را پرورش می دهد، جامعه را تضعیف میکند و انواعی از نابرابری های گسترده و ناپسند را ایجاد می کند. ظاهراً، کارشناسان کالیفرنیا این نکته را نمی دانستند که باید در این برنامه آموزشی، طرف دیگر این بحث را نیز وارد میکردند.

(Fourth World (17

A United Nations categorization that lumps the least developed countries (LDCs) into a category needing special treatment in aid and development projects. Many of the people of the Fourth World live

جهان چهارم یکی از دسته بندی های سازمان ملل است که به کشورهای کم توسعه ای اشاره دارد که نیازمند رسیدگی ویژه به پروژه های عمرانی و کمک رسانی هستند.

under conditions described by World Bank economists as below the income level that provides the bare essentials of food, clothing, and shelter. Whereas many Third World states have demonstrated persistent growth and increasing economic viability, Fourth World countries are mired in poverty and unable to develop the resources and technical capabilities to reach the stage of self-sustaining economic growth

به گفته اقتصاددانان بانک جهانی بسیاری از افراد کشورهای جهان چهارم زیر خط فقر زندگی می کنند و نمی تواند احتیاجات غذایی ضروری، پوشاک و یا سرپناهی داشته باشند. حالیکه کشورهای جهان سوم رشدی با ثبات و اعتبار اقتصادی فزاینده ای از خود نشان داده اند، کشورهای جهان چهارم در منجلاب فقر گرفتار شده و قادر نیستند منابع و ظرفیتهای فنی خود را در رسیدن به مرحله رشد اقتصادی خودکفا توسعه دهند.

Increasing bilateralism in aid and the need to support major debtor countries have reduced the help provided Fourth World countries

افزایش دوجانبه گرایی و همچنین نیاز به کمک به کشورهای عمده بدهکار تعداد کشورهای جهان چهارم که به کمک نیاز دارند را کاهش داده است.

In 1981, a special United Nations Conference on the Least Developed Countries met and discussed means of escape from their predicament

در سال ۱۹۸۱ کنفرانس مخصوصی در سازمان ملل در مورد کشورهای توسعه نیافته تشکیل شد و راجع به رهایی از شرایط اسف بار آن کشورها مذاکره شد.

In its Third Development Decade, the United Nations General Assembly adapted a new International Development Strategy (NIDS) and established a Substantial New Program of Action (SNPA) for the least developed countries

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سومین دهه از عمر خود ، راهبرد توسعه بین المللی نوینی اتخاذ و برنامه ای جدید مبنی بر اقدامی اساسی را برای کشورهای کمتر توسعه یافته ایجاد کرد.

SNPA focused its efforts on getting donor countries to contribute an additional 0.15 percent each year for the benefit of Fourth World countries

برنامه جدید اقدام اساسی، تمرکز خود را بر تشویق کشورهای کمک کننده برای اختصاص 0.15 درصد کمک بیشتر به کشورهای جهان چهارم قرار داد.

The developing states are finding it increasingly difficult to maintain their long-standing unity on economic issues because of growing disparities between the Third and Fourth Worlds

کشور های در حال توسعه، حفظ اتحاد دیرپای خود در مسائل اقتصادی را به دلیل وجود

اختلافات فزاینده بین کشور های جهان سوم و چهارم امری دشوار میبینند.

The First and Third Worlds have concluded a number of arrangements and agreements, such as the Lome Convention, the Caribbean Basin Initiative, and the Generalized System of Preferences that provide preferential access to Western markets, often at the expense of Fourth World exporters

جهان اول و سوم چندین طرح و توافق نامه منعقد کرده اند، مانند کنوانسیون لومه ، طرح حوزه دریای کارائیب و نظام ترجیحات کلی که دسترسی امتیازی به بازارهای غربی که غالباً به ضرر صادر کنندگان جهان چهارم است، فراهم می کنند .

According to a United Nations classification, the "least developed" or Fourth World group includes Bangladesh, Benin, Bhutan, Botswana, Burundi, Cape Verde, Central African Republic, Chad, Comoros, Gambia, Guinea, Haiti, Lesotho, Malawi, Maldives, Mali, Nepal, Rwanda, Somalia, Sudan, Tanzania, Uganda, Upper Volta, Western Samoa, and the Yemen Arab Republic

بر اساس دسته بندی بندی سازمان ملل متحد ، گروه کشورهای "کم توسعه " یا جهان چهارم شامل بنگلادش ، بنین ، بوتان ، بوتسوانا ، بوروندی ، کیپ ورد ، جمهوری آفریقای مرکزی ، چاد ، کومور ، گامبیا ، گینه ، هائیتی ، لسوتو ، مالاوی ، مالدیو ، مالی ، نپال ، رواندا ، سومالی ، سودان ، تانزانیا ، اوگاندا ، ولتای فوقانی ، ساموای غربی و جمهوری عربی یمن می باشد.

The ideology of the extreme right which fosters an authoritarian society based on rule by an elite headed by a dictator

فاشیسم یک ایدئولوژی راست افراطی است که جامعه مستبدی را پرورش می دهد که مبتنی بر حاکمیت نخبگان به ریاست یک دیکتاتور میباشد.

Fascists usually win power in a state through a coup d'etat or during a turbulent revolutionary period when real or imaginary fears of communism lead large numbers of people to accept a radical transformation of democratic institutions to meet the problem of governmental instability

فاشیست ها معمولاً در هر کشور از طریق کودتا یا طی یک دوره آشفته انقلابی که در مردم ترس واقعی یا خیالی از قدرت کمونیسم بوجود می آید، قدرت را به دست میگیرند و باعث میشوند مردم تحولات سیاسی نهاد های دموکرات که برای حل معضل بی ثباتی دولت بوجود آمده اند، بپذیرند.

Fascism is often based on an exaggerated adulation of the nation, rejecting individualism and democratic concepts of limited government in favor of a system in which a disciplined people gives its full loyalty to an organic, monolithic state

فاشیسم اغلب مبتنی بر پرستش اغراق آمیز یک ملت می باشد که فردگرایی و مفاهیم دموکراتیک دولت مشروطه را به نفع نظامی که در آن افراد فرمانبردار وفاداری کامل خود را به یک حکومت سازمان یافته و یکپارچه اعلام میکنند، رد میکند.

Dissent is eliminated and unity is fostered by secret police terror, by extensive propaganda programs, by the curtailment of civil liberties, and by a single-party monopoly of power

نظرات مخالف از میان رفته و اتحاد و یکپارچگی بوسیله وحشت پلیس مخفی ، و با استفاده از برنامه های تبلیغاتی گسترده ، کاهش آزادی های اجتماعی و انحصار قدرت در یک حزب واحد برقرار می شود.

An aura of xenophobia and militarism often pervades a fascist state. Under fascism, private ownership of land and capital is retained, but all private businesses and organizations are regimented and directed by the state in pursuit of national objectives.

هاله ای از بیگانه پرستی و نظامیگری بر حکومت فاشیستی سیطره دارد. تحت رژیم فاشیستی، مالکیت خصوصی زمین و سرمایه حفظ میگردد اما همه کسب و کارها و سازمانهای خصوصی در تحقق اهداف ملی توسط دولت، کنترل و هدایت میشوند.

Modern fascism emerged out of the social, economic, and political crises of the interwar period of the 1920s and 1930s.

فاشیسم امروزی از زمان بحران های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بین جنگ های دهه های 1920 و 1930 پدیدار شد.

The prototype of the fascist state was forged by Benito Mussolini in the years following his coming to power in Italy in 1922 in the wake of an anticommunist reaction to the Bolshevik Revolution in Russia.

نمونه اولیه حکومت فاشیت توسط موسیلمینی بعد از به قدرت رسیدن وی در ایتالیا در سال 1922، در پی احساسات ضدکمونیستی علیه انقلاب بلشویک روسیه ایجاد شد.

Fascist regimes were established subsequently by Adolf Hitler and The Nazi party in Germany, by Francisco Franco and the Falangist party in Spain, by Juan Peron and his Peronista party in Argentina, and in several eastern European countries during the 1930s and 1940s.

در پی آن رژیم های فاشیستی طی دهه های 1930 و 1940، در آلمان توسط آدولف هیتلر و حزب نازی، در اسپانیا توسط فرانسیسکو فرانکو و حزب فالانگیست، در آرژانتین توسط خوان پرون و حزب پرونیستای وی، و در چندین کشور اروپای شرقی بنا نهاده شدند.

Although fascism as an ideology came into general disrepute following the defeat of the Axis Powers in World War II, Neofascism has made gains in many of the new underdeveloped countries of the world, where military juntas have seized power following the breakdown of fledgling democratic institutions.

اگرچه فاشیسم بعنوان یک ایدئولوژی بعد از شکست قدرت های متحد در جنگ جهانی دوم به طور کلی بی اعتبار شد، اما فاشیسم نوین در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته جدید جهان که در آن جا گروه های نظامی به دنبال فروپاشی نهادهای نوپای دموکراتیک به قدرت رسیده اند، دستاوردهایی کسب کرده است .

Fascist systems face serious problems of succession since the stability of such regime is often based on the glorification of the supreme leader, a charismatic personality who dominates the nation either by capturing the emotional support of its people or by using force and terror to rule.

نظام های فاشیستی با مشکلات جدی مربوط به مسئله جانشینی روبرو هستند، زیرا پایداری

چنین رژیم‌های اغلب مبتنی بر ستایش رهبر عالی مقام می‌باشد، شخصیت پرجذبه‌ای که با به دست آوردن حمایت عاطفی مردمش یا با استفاده از زور و وحشت برای حکومت کردن، ملت را به زیر سلطه خود می‌آورد.

Fascism as an ideology contemptuously rejects the democratic political process based on freedom, fair elections, and accountability, but its most active hostility is directed against Communists and left-wing Socialists. The belief and widely applied propaganda technique of fascism that holds that only a united totalitarian state headed by a supreme leader (dictator) can master the threat posed by the conspiratorial tactics of communism.

فاشیسم به عنوان یک ایدئولوژی به طور تحقیرآمیزی روش سیاسی دموکرات‌ها را که مبتنی بر آزادی، انتخابات عادلانه، و مسئولیت‌پذیری است، رد می‌کند، اما جدی‌ترین مخالفت آن علیه کمونیست‌ها و سوسیالیست‌های جناح چپ است. این اعتقاد و شیوه تبلیغاتی که فاشیسم به طور گسترده به کار می‌برد این است که فقط یک دولت متحد تک حزبی که در رأس آن یک رهبر عالی مقام (دیکتاتور) وجود دارد، می‌تواند تهدیدهای ناشی از روش‌های توطئه‌آمیز کمونیسم را مهار کند.

The anticommunism of fascism exploits the fear of communism prevalent in all classes in the advanced states, using it both to win and to hold power. Political enemies are often disposed of by a fascist regime by labeling them "Communists" or "agents of international communism".

ضدکمونیسم بودن فاشیسم از ترس رایجی که در همه طبقات کشورهای پیشرفته نسبت به

کمونیسم وجود دارد، سواستفاده می کند و از آن هم برای پیروزی و هم برای حفظ قدرت استفاده می کند. دشمنان سیاسی اغلب توسط یک رژیم فاشیستی با زدن برچسب "کمونیست" یا "کارگزاران کمونیسم بین المللی" از بین می روند(مغلوب می شوند).

Fascist theory promises to defeat communism by establishing a "true" socialism that eliminates class struggle by reconciling the interests of all groups in common support for and service to the nation.

نگرش فاشیستی با ایجاد یک سوسیالیسم "واقعی" نوید شکست دادن کمونیسم را می دهد که چنین سوسیالیسمی با منطبق هم کردن منافع همه گروه ها در پشتیبانی همگانی و خدمت به ملت، مبارزه طبقاتی را از بین می برد.

Significance: Fascism, possessing no extensive or coherent body of theory, has gained adherents and has won power mainly by offering unity and stability to societies during times of crisis when communist-inspired revolutions -real or imagined- have threatened the established order.

اهمیت: فاشیسم بدون هرگونه نظریه جامع و منسجم، طرفداران خود را به دست آورده و بیشتر با نشان دادن وحدت و ثبات به جوامع در زمان های بحرانی که انقلاب های متاثر از کمونیست ها - چه واقعی چه خیالی - نظم برقرار شده را تهدید کرده باشند، قدرت را بدست آورده است.

Germany in the early 1930s, for example, was beset with mass frustrations growing out of economic malaise, severe unemployment, and social disintegration. Adolf Hitler and the Nazi party, by promising to save the country from communism, gained

the financial backing of wealthy industrialists and the voting support of a substantial portion of the middle and working classes .to win power in 1933

به عنوان مثال، آلمان در اوایل دهه 1930 گریبانگیر سرخوردگی های زیادی بود که آن ها ناشی از مشکل اقتصادی، بیکاری شدید و از هم پاشیدگی اجتماعی بودند. آدولف هیتلر و حزب نازی با وعده نجات این کشور از کمونیسم، از حمایت مالی صنعتگران ثروتمند برخوردار شد و رأی بخش قابل توجهی از طبقه متوسط و کارگر را برای به دست آوردن قدرت در سال 1933 به دست آورد.

In recent years military cliques in many underdeveloped countries have seized power through coups d'etat, establishing fascist-type regimes with the support of local power elites to protect the nation .from actual or alleged communist threats

در سالهای اخیر گروه های نظامی در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته قدرت را از طریق کودتا بدست گرفته اند و رژیم های فاشیست گونه ای را با حمایت نخبگان قدرت محلی برای محافظت از کشور در برابر تهدیدهای واقعی یا احتمالی کمونیستی ایجاد کرده اند.

A superior-inferior relationship in which an area and its people .have been subordinated to the will of a foreign state

رابطه ای بالا دست -پایین دست که در آن یک منطقه و مردم آن فرمانبردار خواسته های کشوری خارجی هستند.

Imperialism can be traced through several chronological stages of development in the modern world

امپریالیسم می تواند در میان چند مرحله ی به ترتیب زمانی پیشرفت در دنیای مدرن ردیابی شود.

The first stage, which dates approximately from the voyages of Columbus to the end of the Seven Years' War in 1763 was a consequence of the emergence of the European nation-state system, the economic philosophy of mercantilism, and, in some cases, religious fanaticism and missionary ardor

اولین مرحله که تقریباً از سفرهای دریایی کریستف کلمب تا پایان جنگ هفت ساله ای در سال ۱۷۶۳ ادامه می یابد، نتیجه ی ظهور نظام ملی اروپایی، فلسفه ی مکتب سوداگری و در برخی موارد تعصب دینی و تندروی مبلغان دینی است.

During this period, much of the New World of the Western Hemisphere was brought under European control by conquest and colonization, and the first imperial forays into Asia were launched by trading companies chartered by European states

در این دوره بسیاری از سرزمین های جدید نیمکره غربی بواسطه فتح و استعمار تحت سلطه اروپا در آمدند و اولین تهاجم استعماری دولت های اروپایی بر آسیا از طریق معامله با شرکتهای بازرگانی شکل گرفت.

In the second stage, from 1763 to about 1870, little imperial expansion occurred because of European preoccupation with the development of liberal nationalism and the Industrial Revolution

در مرحله دوم که بین سال های 1763 تا حدود 1870 صورت گرفت ، گسترش سلطه

جویانه به دلیل شیفتگی اروپاییان به توسعه ملی گرایی لیبرال و انقلاب صنعتی در سطح کمی اتفاق افتاد.

The third stage, from 1870 to World War 1, saw the last great wave of imperial expansion sweep across Africa and much of the Far East

مرحله سوم ، از سال 1870 تا جنگ جهانی اول ، شاهد آخرین موج عظیم گسترش امپریالیسم در آفریقا و بسیاری از نقاط خاور دور بوده است.

In this period the industrial states reacted to increasing competition in international trade by seeking to create protected markets and sources of supply

در این دوره ، کشورهای صنعتی با تلاش برای ایجاد بازارهای پایدار و تأمین منابع، نسبت به افزایش رقابت در تجارت بین المللی واکنش نشان دادند.

By world War 1 imperialism had reached its zenith and began slowly to recede

در جنگ جهانی اول، امپریسالیسم که به اوج خود رسیده بود، رو به افول گذاشت.

Following World War II, the process of liquidating empires accelerated as the concept fell into disrepute, the economic costs of imperialism increased, and a

wave of nationalism enveloped Asia and Africa

به دنبال جنگ جهانی دوم، روند برچیده شدن امپراطوری ها با بی اعتبار شدن این مفهوم، افزایش هزینه های اقتصادی امپریالیسم و فراگرفته شدن آسیا و آفریقا به وسیله موجی از ملی گرایی سرعت گرفت.

The motives for imperialism have varied over time and with the

nations involved, but major arguments have included (1) economic necessity—markets, raw materials, gold, "trade follows the flag"; (2) national security—strategic location, materials, manpower; (3) prestige—"manifest destiny," a "place in the sun," "the sun never sets on the British Empire"; and (4) humanitarianism—missionary activity, the "white man's burden," .civilizing mission

انگیزه های امپریالیسم در طول زمان و در ملل درگیر متفاوت بوده است، اما دلایل اصلی شامل این موارد می باشد: 1 نیاز اقتصادی بازارها، مواد اولیه، طلا. "تجارت مطابق اصول هر کشور می باشد؛" 2 امنیت ملی-موقعیت استراتژیک-اطلاعات، نیروی انسانی؛ 3 اعتبار "سرنوشت آشکار، "موقعیت خوب"، در در امپراطوری انگلیس خورشید هرگز غروب نمی کند؛" و 4 انسان دوستی -فعالیت تبلیغی مذهبی، وظیفه نژاد سفید نسبت به مردم کشورهای عقب افتاده، مأموریت تمدن ساز.

Imperialism spread the ideas, ideals, and material civilization of .the Western world to all parts of the globe

امپریالیسم اندیشه ها، ایده آل ها و فرهنگ مادی گرای جهان غرب را در تمام نقاط جهان منتشر کرد.

The imperialists took much out of their territories, but they left behind improvements and attitudes about such things as education, health, law, and government that are associated today .with nation building and the revolution of rising expectations

امپریالیست ها بسیاری از اندوخته های سرزمین های خود را از بین بردند، اما پیشرفت ها و نگرش هایی را در مورد مواردی مانند آموزش، بهداشت، قانون و دولت که امروزه با

ملت سازی و تغییر اساسی افزایش انتظارات مرتبط هستند، به جا گذاشتند

Currently, the term imperialism is an emotion-laden concept used in a variety of circumstances and therefore difficult to define and apply.

در حال حاضر ، اصطلاح امپریالیسم یک مفهوم احساسات گرا است که در شرایط مختلفی استفاده می شود و بنابراین تعریف و به کار بردن آن دشوار است.

Since World War II it has become a term of opprobrium and abuse used indiscriminately by the United States, the Soviet Union, and the People's Republic of China, by new regimes against former imperial masters, and by some of the developing nations in resentment against their economic dependence on the industrialized states.

از زمان جنگ جهانی دوم ، این اصطلاح به مایه ننگ و توهینی تبدیل شده که با این معنا مورد استفاده بلااستثنای ایالات متحده ، اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری خلق چین ، رژیم های جدید مخالف حاکمان شاهنشاهی گذشته و برخی از کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است و این امر به خاطر ناخشنودی از وابستگی اقتصادی شان به کشورهای صنعتی می باشد.

In any international political relationship, some states are more powerful and domineering than others and able to exert more influence in economic, political, military, and cultural affairs.

در هرگونه روابط سیاسی بین المللی، برخی از کشورها از قدرت بیشتری برخوردارند و سلطه گراتر از سایر کشورها هستند و می توانند تأثیر بیشتری در امور اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی داشته باشند.

That one is stronger than another does not ipso facto create an imperial-subordinate relationship unless the stronger, through its coercive power, establishes its rule over the weaker against its will.

اینکه یک دولت از دیگری قویتر باشد، به خودی خود یک رابطه ارباب رعیتی ایجاد نمی کند مگر آنکه دولت قویتر، از طریق قدرت زورگویانه اش حاکمیت خود را بر خلاف میل دولت ضعیف تر بر آن ها برقرار کند.

Because the term imperialism has been used loosely to describe a bewildering variety of dissimilar motivations, policies, and situations by propagandists and ideologues, it has lost much of its descriptive utility in political analysis.

از آنجا که اصطلاح امپریالیسم به طور سهل انگارانه ای برای توصیف انواع مختلف و سردرگم کننده ی انگیزه های نامشابه، سیاست ها و شرایط مبلغین و ایدئولوگ ها به کار رفته است، بیشتر کاربرد توصیفی خود را در تحلیل سیاسی از دست داده است.

Cabinet Government

A system based on the British model of a fusion of executive and legislative powers of a cabinet operating under the principle of ultimate parliamentary supremacy.

نظامی مبتنی بر نمونه بریتانیایی از ادغام قوه مجریه و مقننه کابینه ای که تحت اصل حاکمیت مجلس کار می کند.

Usually selected from among the leaders of the majority party, the cabinet has collective responsibility for (1) establishing and implementing domestic and foreign policy; (2) coordinating the operations of government agencies; (3) dealing with emergency situations; and (4) maintaining long-range policy objectives

کابینه که معمولاً از میان رهبران حزب اکثریت انتخاب می شود ، وظیفه مشترکی برای (1) ایجاد و اجرای سیاست داخلی و خارجی (2) هماهنگی عملکرد دستگاههای دولتی ؛ (3) رسیدگی به شرایط اضطراری ؛ و (4) حفظ اهداف سیاست دراز مدت (دور برد) برعهده دارد.

Cabinet-approved measures are introduced and defended in the House of Commons by the appropriate minister. Passage is usually expected because the cabinet leads the party which controls the House

لوايح مصوب هیأت دولت توسط وزیر مربوطه در مجلس عوام ارائه و از آنها دفاع می شود. معمولاً انتظار می رود که آن ها تصویب شوند زیرا هیئت دولت حزبی را رهبری می کند که مجلس را کنترل(اداره) می کند.

Since any division within the cabinet is seized upon by the opposition, cabinet unity and collective responsibility for all decisions constitute traditional doctrines of the system, though actual behavior is now more individual

از آنجا که هرگونه اختلاف در کابینه توسط مخالفان مورد استفاده قرار می گیرد ، وحدت(یکپارچگی) کابینه و مسئولیت مشترک در مورد کلیه تصمیمات سیاست های مرسوم دولت را تشکیل می دهند ، اگرچه اکنون عملکرد فعلی بیشتر فردی است.

Defeat in Commons on an issue of confidence would require the resignation of the entire cabinet. In this event, the monarch might request the leader of the opposition or other leading statesman to form a new government, or, more likely, the prime minister would ask the monarch to dissolve Parliament

اگر کابینه در جلب اعتماد مردم عادی شکست بخورد، همه اعضای آن باید کناره گیری کنند. در این رخداد، پادشاه ممکن است از رهبر حزب مخالف یا سایر دولتمردان برجسته بخواهد یک دولت جدید تشکیل دهند، یا به احتمال زیاد، نخست وزیر از پادشاه می خواهد که پارلمان را منحل کند.

In the latter case, a general election would decide whether the prime minister's party was returned to power or a new political majority appeared

در حالت دوم، یک انتخابات همگانی تعیین می کند که آیا حزب طرف نخست وزیر به قدرت برگردانده شود یا این که یک حزب اکثریت سیاسی جدید ظاهر شود.

Coalition Government

A government in which several minority parties form the cabinet when no single party can command a majority

دولت ائتلافی دولتی است که در آن زمانی که هیچ حزب واحدی نتواند حزب اکثریت را کنترل کند، چندین حزب اقلیت کابینه را تشکیل می دهند.

The leader of the strongest party tries to secure agreement from enough smaller parties so that their combined strength will constitute a majority in the legislature. The price of agreement may include promises to pursue, modify, or abandon certain

policies and programs, and cabinet or other posts for all parties in the coalition

رهبر قوی ترین حزب تلاش می کند تا از توافق احزاب کوچکتر اطمینان حاصل کند تا با قدرت مشترک شان حزب اکثریت را در مجلس تشکیل دهند. ارزش این توافق می تواند شامل تعهد به پیگیری ، اصلاح یا دست کشیدن از برخی از سیاست ها و برنامه های مشخص ، کابینه یا سمت های دیگر برای همه احزاب ائتلاف باشد.

Coalition government is most likely when a nation lacks broad social consensus, parties have strong ideological orientations, diverse minority groups feel they cannot entrust their interests to major parties beyond their control, and the electoral system is based on a form of proportional representation

دولت ائتلافی زمانی خیلی محتمل است که یک ملت فاقد توافق اجتماعی گسترده باشد، احزاب گرایش های ایدئولوژیکی افراطی داشته باشند، گروه های اقلیت مختلف احساس کنند که نمی توانند منافع خود را فراتر از کنترل خود به احزاب اکثریت بسپارند و سیستم انتخاب کنندگان بر اساس نوعی انتخابات نسبی باشد.

Federal Government

A political system in which power is constitutionally divided between the central government and the nation's constituent subdivisions (provinces, states, regions, etc).

دولت فدرال یک نظام سیاسی است که در آن قدرت بر اساس قانون اساسی بین دولت مرکزی و زیرمجموعه های تشکیل دهنده آن کشور (استان ها ، ایالت ها ، ناحیه ها و غیره) تقسیم می شود.

Each of the two sets of governments exercises authority directly on the people; neither owes its powers to a grant of authority from the other, but to a constitution that is superior to both

هر یک از این دو دسته دولت مستقیماً بر مردم اعمال قدرت میکنند. هیچ یک از این دو اختیارات خود را مدیون اعطای اختیارات از طرف دیگر نیست ، بلکه مدیون قانون اساسی است که بر آن ها ارجحیت دارد.

When a conflict occurs between the national government and a subdivisional government, and each is acting properly within its jurisdictional limits, the case is resolved in favor of the national government as the ultimate focus of sovereignty

وقتی بین دولت ملی و یک دولت فرعی اختلافی رخ می دهد و هر کدام از آن ها دارند در حدود صلاحیت قانونی خود به درستی عمل می کنند ، این اختلاف به نفع دولت ملی که قانون نهایی حاکمیت می باشد، حل می شود.

To resolve the dispute in favor of the constituent unit would be to convert the system into a confederation of sovereign states

برای حل این اختلاف به نفع حکومت زیرمجموعه ، این نظام باید به یک همبستگی(فدراسیون) از ایالت های مستقل تبدیل شود.

States with federal governments include Australia, Canada, Mexico, Switzerland, the United States, and Germany

کشورهایی با دولت فدرال شامل استرالیا، کانادا، مکزیک، سوئیس، ایالات متحده و آلمان هستند.

Parliamentary Government

.A system in which legislative and executive powers are fused

حکومت پارلمانی نظامی است که در آن اختیارات قانونگذاری و اجرایی به هم پیوند خورده اند.

Parliamentary government does not require the separate election of the head of government, as in the U.S. system, where powers are separated

حکومت پارلمانی، مانند نظام ایالات متحده که در آن اختیارات از هم تفکیک شده اند، نیازی به انتخاب جداگانه رئیس دولت ندارد.

The leadership of the majority in the legislature forms the cabinet, which exercises executive power. Leadership of the majority party or parties in the cabinet virtually guarantees the passage of government-sponsored legislation

رهبری حزب اکثریت در قوه مقننه کابینه ای را تشکیل می دهد که اختیارات اجرایی را اعمال می کند. رهبری حزب یا احزاب اکثریت در کابینه عملاً تصویب شدن قوانین تحت حمایت دولت را تضمین می کند.

This form of government operates with either a two-party or a multiparty system, such as those found in Great Britain and in Western Europe

این نوع حکومت یا با یک نظام دو حزبی یا با یک نظام چند حزبی مانند آنچه که در بریتانیا کبیر و در اروپای غربی یافت می شود، کار می کند.

Colonialism

The rule of an area and its people by an external sovereignty
.pursuing a policy of imperialism

استعمار یعنی اداره ی يك منطقه و مردم آن توسط حاکمیتی خارجی به منظور پیشبرد سیاست های امپریالیستی.

Historically, two broad types of colonialism can be identified: (1) that which involved the transplanting of emigrants from the mother country to form a new political entity at a distant location; and (2) that which involved the imposition of rule over the technologically less-developed indigenous peoples of Asia and Africa

از نظر تاریخی ، دو نوع کلی استعمار را می توان مشخص کرد: 1 استعماری که مربوط به کوچ دادن مهاجران از کشور مادری برای تشکیل یک نهاد سیاسی جدید در مکانی دور است. 2 استعماری که مربوط به تحمیل حاکمیت بر ساکنان بومی آسیا و آفریقا است که از لحاظ فنی کمتر توسعه یافته اند.

In either case, the colony was established to advance the military security, economic advantage, and international prestige of the imperial power

در هر صورت، مستعمره برای بالابردن امنیت نظامی، منافع اقتصادی و اعتبار بین المللی کشور شاهنشاهی پایه گذاری شد.

Opposition to the superior-inferior relationship and the racialism inherent in colonialism gave rise to a nationalism among dependent people of Asia and Africa that proved to be an irresistible force in world politics after World War II

مخالفت با روابط بالادست و زیردست و نژادپرستی که ویژگی اساسی استعمار است باعث

ایجاد ملی گرایی در میان ملت وابسته آسیا و آفریقا شد که ثابت شد پس از جنگ جهانی دوم نیرویی است که نمی شود در سیاست های جهانی در برابر آن مقاومت کرد.

The war demonstrated that white, Western imperialists possessed no inherent invincibility: witness the early victories of the Japanese forces. Many of the colonial powers in Asia were exhausted by the war to such a point that they granted independent either voluntarily or as a result of violence

جنگ نشان داد که امپریالیست های سفید پوست غربی به طور ذاتی شکست ناپذیر نیستند: همان طور که شاهد پیروزی های اولیه نیروهای ژاپنی بوده اید. بسیاری از قدرتهای استعمارگر از جنگ در آسیا خسته شدند تا حدی که مستعمره ها را به طور ارادی یا در نتیجه خشونت مستقل کردند.

Independence movements were encouraged by principles enunciated in the Declaration Regarding Non-Self-Governing Territories of the United Nations Charter that served to legitimate their aspirations for nationhood

جنبش های استقلال طلبانه به وسیله اصولی که در بیانیه منشور سازمان ملل متحد درباره سرزمین های غیرخودگردان بیان شده بود، ترویج می یافت، بیانیه ای که در جهت موجه نشان دادن آرمان های آن سرزمین ها برای داشتن ملیت به کار می آمد.

By 1960, the emergence of new nations had doubled the membership of the United Nations, which strengthened the assault on colonialism

تا سال 1960، ظهور ملت های جدید، عضویت در سازمان ملل متحد را دو چندان کرد و این امر باعث تشدید حمله (تاختن) به استعمار شد.

In that year, the Assembly adopted the historic Declaration on the Granting of Independence to Colonial Countries and Peoples and, in the following year, established a special Committee on Decolonization to implement its principles. The wave of independence movements that had started in Asia swept over Africa in the late 1950s and in the 1960s, adding many new nations to the state system.

در آن سال، این مجمع، بیانیه تاریخی مربوط به دادن استقلال به کشورها و ملل مستعمره را تصویب کرد و در سال بعد، کمیته ویژه ای را درباره مستعمره زدایی برای پیشبرد اصولش تأسیس کرد.

The Portuguese territories of Angola, Mozambique, and Portuguese Guinea, along with the League of Nations-mandated territory of South-West Africa (Namibia), were some major objectives of United Nations decolonization efforts.

سرزمین های مستعمره پرتغال، یعنی آنگولا، موزامبیک و گینه پرتغال، به علاوه سرزمین تحت الحمایه اتحادیه ملل یعنی آفریقای جنوب غربی (نامیبیا)، برخی از اهداف اصلی تلاش های مستعمره زدایی سازمان ملل بود.

With a numerical majority in the General Assembly, the former colonial states have directed the focus of UN attention to the problems of political, social, and economic development.

دولت های مستعمره سابق که در این مجمع عمومی از نظر عددی اکثریت هستند، کانون توجه سازمان ملل را به مشکلاتی که در توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وجود دارد، معطوف کرده اند.

The concept of neocolonialism, however, symbolizes their ambivalence in seeking assistance from their former colonial masters while at the same time rejecting any real or imagined interference in their internal affairs

اگرچه مفهوم استعمار نو، نمادی از دوگانگی آنها در کمک گرفتن از حاکمان استعمارگر پیشین شان است اما در عین حال هرگونه دخالت واقعی یا خیالی را در امور داخلی شان رد می کند.

Yet the transformation of over one billion people and numerous colonial territories to independence and statehood that has occurred is one of the most remarkable phenomena of the post—World War II period. But the emergence of national independence has often meant that majority groups have willingly or unwillingly forced minority groups to accept the sovereignty of the new state

با این حال تبدیل بیش از یک میلیارد نفر و سرزمین های مستعمره متعددی به کشور و دولت های مستقل، یکی از قابل توجه ترین پدیده های دوره پس از جنگ جهانی دوم است. اما ظهور استقلال ملی اغلب به این معنی بوده است که گروه های اکثریت خواسته یا ناخواسته گروه های اقلیت را مجبور به پذیرش حاکمیت دولت جدید کرده اند.

The aspirations of national groups remain one of the most intractable problems in the search for international peace and stability in the Middle East (Palestinians), in Southeast Asia (Cambodians), and in many of the new states of Africa

آرزوهای گروه های ملی همچنان در خاورمیانه (فلسطینی)، آسیای جنوب شرقی (کامبوج)، و

بسیاری از کشورهای جدید آفریقایی به عنوان یکی از مشکلات حل نشدنی در جست و جوی صلح و ثبات جهانی باقی مانده است.

(Balance of Power (1

A concept that describes how states deal with the problems of national security in a context of shifting alliances and alignments

موازنه قدرت مفهومی است که نحوه برخورد دولتها با مشکلات امنیت ملی را در زمینه تغییر اتحاد و همکاری با کشورهای دیگر توصیف می کند.

The balance system is produced by the clustering of related individual national interests in opposition to those of other states.

The system originates when revisionist states threaten the security of the status quo powers

این نظام ترازمندی با جمع کردن منافع مربوطه مختص به یک ملت بر خلاف منافع سایر دولت ها به وجود می آید. این نظام وقتی آغاز می شود که دولت های اصلاح طلب، امنیت قدرت های فعلی را تهدید کنند.

The balance-of-power concept in the relations of states can be expressed in terms of a power equation. The factors (states) on each side of the equation may be in a situation of approximate equilibrium, or one side may possess a temporary preponderance

.of power over the other

مفهوم موازنه قدرت در روابط کشورها را می توان از نظر یک معادله قدرت بیان کرد. عوامل (دولت ها) در هر طرف این معادله ممکن است در یک وضعیت تعادل تقریبی باشند، یا یک طرف به طور موقت بر دولت دیگر تسلط داشته باشد.

Because states are sovereign and seek to maximize their individual national interests, the balance of power is normally in a condition of flux. A state may also pursue a conscious balance-of-power policy as Great Britain did during the nineteenth century.

از آنجا که دولتها مستقل هستند و به دنبال به حداکثر رساندن منافع ملی مختص به خود هستند، موازنه قدرت به طور معمول در یک وضعیت بدون ثبات قرار دارد. همچنین ممکن است یک دولت به طور آگاهانه یک سیاست موازنه قدرت را دنبال کند همان طور که بریتانیای کبیر در قرن نوزدهم چنین سیاستی را اتخاذ کرد.

Great Britain viewed her interests as best served by playing the role of "balancer" to maintain an equilibrium of power on the Continent, shifting her weight to the weaker side when the equilibrium was threatened.

بریتانیای کبیر با ایفای نقش "موازنه گر" برای حفظ تعادل قدرت در این قاره (اروپا)، منافع خود را به بهترین وجه بررسی کرد و در صورتی که این تعادل مورد تهدید قرار می گرفت، سنگینی و ارزش خود را به سمت ضعیف تر معطوف میکرد.

(Brainwashing (52

A psychological technique for reorienting the individual's thinking
.so that it will conform to a predetermined mode

شستشوی مغزی روشی روانشناختی برای تغییر شیوه فکر کردن فرد می باشد به گونه ای
که از یک شیوه فکری از پیش تعیین شده پیروی کند.

The term brainwashing is derived from the Chinese colloquialism
(of hsi nao (wash-brain

اصطلاح شستشوی مغزی از عبارت عامیانه چینی hsi nao (شستن مغز) گرفته شده
است.

Brainwashing is carried out by obtaining a confession of
.wrongdoing, followed by a process of reeducation

شستشوی مغزی با گرفتن اعتراف به انجام خطا و به دنبال آن فرآیند بازآموزی مجدد انجام
می شود.

The means used to effect brainwashing upon an individual
include combining extremely harsh and lenient treatment,
interspersed with physical and psychological punishments and
rewards designed to break traditional patterns of thought and
.institute new ones

شیوه ای که برای تأثیر شستشوی مغزی در فرد به کار می رود ترکیبی از طرز برخورد
بسیار سخت گیرانه و بامدارا می باشد، که به طور پراکنده با تنبیهات جسمی و روانی و
پاداش هایی همراه است که برای شکستن الگوهای فکری سنتی و ایجاد الگوهای جدید
طراحی شده است.

The technique of brainwashing was used on a massive scale by
the Chinese to inculcate new thought patterns in the masses in

the years following the 1949 victory of the Communists in the Civil War. During the Korean conflict, the Chinese attempted—successfully in some cases—to brainwash U.S.

.prisoners of war

چینی ها در سال های پس از پیروزی کمونیست ها در جنگ داخلی سال 1949 در مقیاس عظیمی از روش شستشوی مغزی برای القای الگوی های فکری جدید در ذهن توده های مردم استفاده کردند. در طول جنگ کره، چینی ها تلاش کردند اسیران جنگی آمریکایی را شستشوی مغزی دهند_ که این تلاش ها در بعضی موارد با موفقیت همراه بودند -

Some prisoners renounced their allegiance to the United States, confessed to having committed war crimes such as waging germ warfare, and chose exile in China to repatriation. The effect of brainwashing as a technique for reshaping the individual's values and changing allegiance remains difficult to evaluate, although some psychological warfare experts believe it can be used more effectively to change ideological values than to change national .allegiances

برخی از اسیران از وفاداری شان به ایالات متحده دست برداشتند و اعتراف کردند که مرتکب جنایات جنگی مانند جنگ میکروبی شده اند و تبعید در چین را به بازگشت به کشور خود ترجیح دادند. تأثیر شستشوی مغزی به عنوان شیوه ای برای عوض کردن ارزشهای فردی و تغییر دادن وفاداری، همچنان به عنوان امر دشواری برآورد می شود، اگرچه برخی از کارشناسان جنگ روانی معتقدند که شست و شوی مغزی می تواند برای تغییر دادن ارزش های ایدئولوژیک نسبت به تغییر وفاداری های ملی موثرتر باشد.

Capitalism

An economic Theory and system based on the principles of laissez-faire free enterprise. Capitalist theory calls for private ownership of property and the means of production, a competitive profit-incentive system, individual initiative, an absence of governmental restraints on ownership, production, and trade, and the market economy that provides order to the system by means of the law of supply and demand.

نظام سرمایه داری یک نظریه و نظام اقتصادی مبتنی بر اصول سیاست عدم مداخله دولت در کسب و کار آزاد می باشد. نظریه نظام سرمایه داری خواستار مالکیت خصوصی املاک و ابزار تولید؛ یک نظام رقابتی سودآور؛ ابتکار عمل فردی؛ عدم وجود موانع دولتی در مالکیت، تولید و تجارت؛ و اقتصاد بازاری است که از طریق قانون عرضه و تقاضا نظم را برای این سیستم فراهم میکند.

The theory also assumes the free movement of labor and capital and free trade domestically and in foreign markets, which should result in an international division of labor and national specialization. Although some forms of capitalism have always existed in human society, the sophisticated theories underlying modern capitalism were initially developed by the classical economists, beginning with Adam Smith's publication of *Wealth of Nations* in 1776.

این نظریه همچنین فعلیت آزاد کار و سرمایه و تجارت آزاد را در داخل کشور و بازارهای خارجی تقبل میکند که این امر باید منجر به یک تقسیم کار بین المللی و تخصص ملی شود. اگرچه برخی از اشکال نظام سرمایه داری همیشه در جامعه بشری وجود داشته اند، اما این نظریه های پیچیده که مبنای نظام سرمایه داری امروزی هستند، در ابتدا توسط اقتصاددانان سنتی و با انتشار کتاب ثروت ملل توسط آدام اسمیت در سال 1776 آغاز شدند.